

روان شناسی فیزیولوژیک

گرددآوری: ندا فریدنی

قلمرویی از روانشناسی است که به بررسی اساس زیستی رفتار می پردازد.

روانشناسی فیزیولوژیک با کلیه مباحث نوروفیزیولوژی، نورواناتومی و نوروشیمی همپوشانی دارد. اما این همپوشانی مانع نمی شود که ما این مباحث را از هم جدا تصور نماییم. اگر ما به عنوان روانشناس وارد قلمرو فیزیولوژیک شویم رفتار برای ما مهم است. بنابراین می توان با طراحی آزمایشاتی به چرایی و چگونگی یک رفتار از یک دیدگاه خاص (شناختی) اجتماعی ویا فیزیولوژیکی (پاسخ داد. برای مثال: در رفتار مشخصی مانند تشویق تیم ورزشی، که همراه با حرکت، سروصدا و... است، ما با دو دیدگاه روبرو می شویم.

1. دیدگاه اجتماعی گوستاولوبرن [1] (روانشناس فرانسوی): رفتار ناشی از تأثیرات اجتماع است. « جمع کثیر توده □ تلقین □

از دست دادن عقل انفرادی
»

2. انسان هنگامی که در جمع کثیری قرار می گیرد، عقل شخصی خود را از این جهت که کیست؟، کجاست؟ و دارای چه پست و مقامی است از دست می دهد و تابع جمع قرار می گیرد و به پیروی از افراد دیگر هیجان خود را بروز می دهد. که عکس آن نیز میتواند روی دهنده فرد به دنبال باخت تیم خود دچار افسردگی یا خشمگین شود. حال اگر شخصی سکوت نماید روانی در وی می باشد.

1. دیدگاه روانشناسی فیزیولوژیک: رفتار ناشی از بالا رفتن نورآدرنالین خون در لحظه ی خاص است که باعث تولید انرژی و بروز هیجان می گردد

رفتار انسان را می توان با رویکردهای مختلف (عاطفی، شخصیتی و...) مورد بررسی قرار داد که به مقدمات آن در کتاب هیلگارد اشاره شده است. با وجود اینکه یادگیری حرکتی یک مبحث فیزیولوژیکی است ولی میتواند تحت تأثیر عناصر اجتماعی قرار گیرد، که چگونه میتوان در موقعیت های مختلف اجتماعی یک رفتار سر زده از انسان را تفسیر کرد. برای مثال در کاندید شدن دو نفر برای ریاست شورای شهر که هر دو از نظر احتمالی شانس مساوی برای ریاست داشته باشند، یک پذیرایی بین سخنرانی دو کاندید بر نحوه ی رای گیری اثرگذار است.

[2]

رویکردی که در روانشناسی فیزیولوژیک به شخصیت و رفتار (یادگیری، عواطف، تفکر و...) انسان می شود با تأکید بر نوروآناتومی، نوروفیزیولوژی و نوروشیمی مورد بحث قرار می گیرد.

□ یادگیری از دیدگاه روان شناسی

یادگیری نوعی تغییر در رفتار است. هر زمانی که رفتار انسان به نحوی تغییر نماید، نوعی یادگیری اتفاق می افتد. این تغییر رفتار می تواند در جهت مثبت باشد یا منفی و یا رفتاری باشد که عملکردی شده باشد (از جایی شروع شده و به جایی ختم شود)

فراگیری ادب و متانت از والدین).

رفتار خود آموخته شده است و هر تغییری هم که در آن رخ میدهد نیز آموخته می شود. که این تغییرات از رفتار یک موش در شرایط کنترل شده آزمایشگاهی، تا شکل پیچیده آن در رفتار عمومی ما نمایان است. همه ی رفتارهای سرزده از فرد، که به صورت خواسته یا ناخواسته در انسان از دوران کودکی به بعد شکل

می گیرد

□

ناشی از یادگیری است.

در قلمرو روان شناسی فیزیولوژیک آن چه که وجود دارد، عینک فیزیولوژیک زدن برای تفسیر مفاهیم است.

تعریف جامع از یادگیری:

« پرداختن به مطالعه فرآیندهایی که باعث تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار می شود. »

1- کتاب روان شناسی توده ها، تألیف گوستا ولوبرن، ترجمه کیومرث خواجهبها.

2- کتاب روان شناسی اجتماعی- حیوان اجتماعی، تألیف المپوت آرونسون، ترجمه دکتر حسین شکرکن.

در مغز انسان، فقط 15٪ از کورتکس مربوط به حس و حرکت 1 است که همه ی توانایی های بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساواایی را شامل می شود و

85٪ آن را بخش تداعی 2 (که شبیه یک نوار خام خیلی عالی است

مورد

که می تواند سال ها برای پر شدن استفاده قرار بگیرد) در بر می گیرد.